



شبهای قدر و مسأله بداء

برای ایجاد هر خلقی و اجرای هر امری از جانب خداوند، چهار مرحله میگذرد تا به مرحله نهایی و اجرا برسد، که عبارت اند از:

- 1- **مشیت**، که به آن خداوند به نوع خلق کردن رو کرده و تصمیم به خلق میگیرد.
 - 2- **اراده**، که اراده میکند خلق خاصی را خلق کند یا فعل خاصی انجام شود.
 - 3- **قدر**، که به آن اجزاء تشکیل دهنده و جزئیات امور را اندازه گیری کرده و مقدار هر جزئی را تعیین میکند.
 - 4- **قضا**، که در آن اجزاء مقدر شده را جمع کرده تا به شخص واحد و به آن غرض نهایی برسد.
- مثال این چهار مرحله مانند نجاری است که میخواهد منبری بسازد.
- 1- در اول کار بدون توجه به چیزی، میخواهد کاری انجام دهد.
 - 2- بعد اراده کار خاصی (ساخت منبر) میکند و توجه به درخت میکند.

3- بعد چوب درخت را قطعه قطعه میکند و میخ ها و ابزار لازمه را فراهم میکند.

4- و در آخر مشغول به ساختن منبر شده و چوب ها را به هم نصب میکند تا منبری که مورد نظر داشت را بسازد.

حال می بینیم که تا این چهار مرحله به اتمام نرسیده باشد امکان صرف نظر کردن از ساخت منبر وجود دارد، و البته با گذشت هر مرحله امکان بازگشت سخت تر خواهد بود.

اما اگر این چهار مرحله را تمام کند، یعنی از نیت خود صرف نظر نکرده باشد، از اراده خود برای ساخت منبر برگشته باشد، چوب ها و میخ ها را هم مقدر کرده و کامل سر هم کرده باشد و میخ آخر را هم کوفته باشد، دیگر توان برگشت نداشته و نمیتواند از ساختن منبر صرف نظر کند، زیرا حالا آن منبر ایجاد شده و به منبر نمی توان گفت که منبر مباح.

این مثالی بود برای چهار مرحله ای که قبل اجرای افعال و خلق خداوند طی میشود، و تا هنگامی که امور در حال گذران از این چهار مرحله باشد امکان بداء در آن وجود دارد. اما هنگامی که به امضا رسیده و نهایی شد دیگر قابل برگشت نیست.

مرحوم کرمانی اع در این خصوص میفرمایند:

1- اگر مشیت خداوند قرار گرفت که خلقی خلق کند، بداء در این هست زیرا می تواند مشیت خود را از این خلقت بردارد، می تواند نخواهد آنچه را که خواسته.

2- و همچنین اگر خواست و اراده هم کرد، در این هم بداء است به اینکه می تواند که نخواهد و قطع اراده هم بکند.

3- و هرگاه خواست و اراده هم کرد و تقدیر هم کرد در خلقتی، در اینجا هم بداء هست به اینکه می تواند نخواهد و قطع اراده هم بکند و تقدیر هم بکند.

4- و همچنین هرگاه خواست و اراده هم کرد و تقدیر هم کرد و قضا هم نمود، نیز می تواند تا هنوز امضاء نشده و خلقت او تمام نشده، مثل میخ آخری به او نخورده، که نخواهد و اراده را قطع نماید و تقدیر را برگرداند و تمام هم نکند خلق را.

5- و اما هرگاه امضاء شد، دیگر بداء بردار نیست. و اگر نور خلق شد، نور، نور است نه غیر نور. و ظلمت اگر خلق شد، ظلمت است نه غیر او. و همچنین هر شیئی که خلق شد و آن شیء آن شیء شد، دیگر غیر آن نمی شود و آن شیء، غیر آن شیء نمی شود که هست و در اینجا دیگر بدائی نیست؛ مگر اینکه محو می کند یا اثبات.

و این است که حضرت صادق میفرماید ما من شیء فی الارض و لا فی السماء الا بسبعه بمشیه و اراده و قدر و قضاء و اذن و اجل و کتاب. و این در همه اشیاء جاری است.

حتی در بدن هریک از شماها جاری می شود این؛ و هر کاری هم که شما می کنید، به این چهار حرکت

است: مشیت و اراده و قدر و قضاء. و هرگاه بخواهی که بگردانی مشیت و اراده و قدر و قضاء را می‌توانی.

خدا هم آنچه خواسته، نمی‌خواهد از برای تو مصیبتی را اگر دعا بکنی. و اراده را هم قطع می‌کند به این دعا و مقدر هرگاه کرده باشد برمی‌گرداند و مستجاب می‌کند دعای تو را و در قضا هم مادامی که آن میخ آخری را نزده و هنوز تمام ننموده او را، می‌تواند قضا را هم بگرداند و بدائی در آن هم هست؛ و دعا اگر بکنی شاید قضا برگردد.

و اما هرگاه تمام شد حتی آن میخ آخری کوبیده شد، دیگر امضاء می‌شود و خلق تمام می‌شود و در او دیگر بدائی نیست.

پس بنابر قول مرحوم کرمانی اع، باید همیشه دعا کنیم تا هنگامی که هنوز بلیات به مرحله امضاء نرسیده، بدائی حاصل شود. چرا که پس از نزول بلا دیگر امکان برگشتی برای آن نیست و بدائی نخواهد بود، مگر بعد از برخورد صدمات دوباره برای رفع آن دعا کنیم.

مثل آن قومی که خدا بر ایشان بلا نازل کرد، اول دیدند که بادی برخاست دعا نکردند، تا اینکه دیدند به بخارهای غلیظی بدل شد و باز هم دعا نکردند، تا اینکه دیدند منجمد شده و مانند ابری شد باز هم دعا نکردند، تا اینکه از آن ابر آتش بارید بر ایشان و بلا نازل شد. حالا اگر در حرکت اول یا حرکت دوم یا حرکت سوم دعا می‌کردند، بدائی حاصل می‌شد. اما در آخر که امضاء شد و آتش بارید، دعائی مستجاب نمی‌شود و بدائی حاصل نمی‌شود، و شد آنچه شد. و لکن بر قوم یونس ع که در مهلت های آخر توبه کردند، بداء حاصل شده و بلا نازل نشد.

نکته دیگر اینکه این چهار مرحله، هر کدام در چهار شب (که اصطلاحاً به هر چهار شب شب قدر می‌گویند) به شرح زیر جاری میشود:

شب اول، شب مشیت است و آن شب نیمه شعبان است.

شب دوم، شب اراده است و آن شب نوزدهم ماه مبارک رمضان است.

شب سیوم، شب قدر است و آن شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان است.

شب چهارم، شب قضاء است و آن شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است.

بنابراین جمیع فیوضات و بلیاتی که در تمام سال بر مردم وارد می‌شود، همه در شبهای قدر یک باره نازل شده و خدمت امام عصر عج عرضه شده و از این شبها به سایر ایام سال پخش میشود همانطور که در سوره مبارکه قدر به آن اشاره شده است.

در مورد تضرع و دعاهایی که باید در این چهار شب کرد، مرحوم کرمانی اع میفرماید:

شب نیمه شعبان هنوز از سال قبل است و آن شب مشیت است و هرچه باید در آن سال نو بر تو وارد

بیاید یک جزئی از آن در آن شب خواسته می‌شود از برای تو، و اگر دعائی بکنی و عبادتی بکنی و تضرعی بکنی و توجهی بکنی، بدائی حاصل می‌شود؛ و آنچه باید بسبب معاصی توبه تو به تو برسد، نمی‌رسد.

و در شب نوزدهم که شب اراده است، آنچه را که خدا خواسته از برای تو اراده می‌کند؛ پس باید در این شب تضرع و زاری تو زیاده باشد از شب اول. بجهت اینکه در این شب هم بر تو وارد می‌آید آنچه باید در عرض سال وارد بیاید بیش از شب اول.

و شب سیوم که شب قدر است می‌رسد به تو بیش از آنچه رسیده است در شب اول و دویم و باید تضرع و زاری تو در این شب زیاده باشد، بجهت اینکه بعد از خواستن خدا و اراده کردن، تقدیر هم نموده. و بداء در اول و دویم آسانتر است از بداء در سیوم و بایست تضرع کرد در این شب تا اگر در شب اول و دویم و سیوم بداء حاصل نشده و بلا هنوز باید نازل بشود بر تو، پس توبه کنی و دعا کنی که بلا نازل نشود و بداء در این شب حاصل شود، و تتمه اجزاء او تمام نشود و تا به قضا نرسیده برگردد و امضا هم نشود.

و همچنین شب چهارم که شب قضا است، تتمه اجزاء بلا درست می‌شود و اگر در امشب تضرع و زاری و توبه کردی که بداء حاصل شد، فبها. والا چون صبح شود امضاء می‌شود و بدائی در او نیست دیگر. و باید امشب تضرع و زاری تو بیشتر باشد، بجهت اینکه شب قضا است و برگشتن از قضا مشکلتر است از برگشتن از اراده و مشیت. و اگر هم امشب حاصل نشود، دیگر امضاء می‌شود و چاره پذیر نیست و وقتی که بلائی نازل شد، دیگر شد، مگر خدا بعد فرجی دیگر بدهد. و خدا تو را امر فرموده در این چهار شب که دعا کنی تا مستجاب شود و شاید در یکی از این شبها مستجاب شد. و اما آنکه قضا شد اگر دعا کردی، نهایت آنچه باید در آن سال بر تو وارد آید، اندکی عقب‌تر وارد می‌آید.

مثلا هرگاه باید در اول سال بمیری یا ناخوش شوی، در آخر آن سال واقع می‌شود این؛ و از آن سال بیرون نمی‌باشد. بهر حال این چهار شب را بایست عبادت کرد و عبادت را شب بشب زیاده کرد تا بداء اگر در شب اول حاصل نشده، در دویم یا سیوم شود.

و این است که برگشتن از مشیت آسانتر است از برگشتن از اراده، و برگشتن از اراده آسانتر است از برگشتن از قدر، و برگشتن از قدر آسانتر است از برگشتن از قضا، و برگشتن از قضا آسانتر است از برگشتن از امضاء. بلکه از امضاء دیگر برگشتنی نیست و در آن بدائی نمی‌باشد و هرچه امضا شد، دیگر شد.

انشاء الله که برادران در امشب و سایر شب‌های قدر پیش رو به غفلت مگذرند و همچنین سایر برادران و بنده را نیز فراموش نکرده و مورد دعای خویش قرار دهند.